

چالش‌های ترجمه قرآن

نسرين انصاریان^۱

چکیده

قرآن، کتاب دینی برای همه انسان‌ها بوده و رساندن پیام قرآن یک وظیفه دینی همگانی است، به دلیل عربی بودن ابتدائی‌ترین و سهل‌ترین راه فهم آن، ترجمه است که دارای مراحل مختلفی بوده و امکان به وجود آمدن چالش در هر مرحله وجود دارد از این رو طرح چالش‌ها و بیان راه کار برای رفع آنها در تقویت ارائه ترجمه‌هایی کم نقص، کارساز است. در این پژوهش تلاش شد با تدبیر و تعمق در آیات قرآن و تفاسیر پیرامون آنها و با تکیه بر روش تحلیل محتوایی برای هر یک از مراحل ترجمه، چالش‌هایی مطرح و اشکالات چند ترجمه و راه کار لازم برای رفع آن‌ها بیان گردد. دست آورد تحقیق این شد که ترجمه‌ای موفق است که در آن مترجم از همکاری متخصصان در علوم واژه شناسی، صرف، نحو و بلاغت بهره گرفته همین طور از وجود فردی که حافظ قرآن است و نیز از فردی که مسلط به گویش عربی است بهره گردد.

کلید واژه‌ها: تفاوت مترادفات، اوزان صرفی، اعراب‌های متعدد، بلاغت حروف جر، یکسان سازی، معادل یابی.

۱- مقدمه

قرآن، کتاب هدایت همه انسانها در همه زمانها و مکانها است و رساندن پیام آن وظیفه همه مسلمانان است ولی همه انسانها با زبان عربی قرآن آشنا نیستند و می‌بایست قرآن برای آنها ترجمه شود اهمیت ترجمه از همین جا مشخص می‌شود که ساده‌ترین راه انتقال پیام قرآن ترجمه است.

در نگاه ابتدائی ترجمه قرآن، نباید با دشواری همراه باشد، ولی با توجه به آخرین کتاب آسمانی بودن و جامعیت فراگیر در همه علوم، و اعجاز در ریزه کاریها و نکات لطیف آن اگر با دیدی منصفانه نگاه کنیم انتقال همه ابعاد ترجمه محال است ولی به دلیل اهمیت مسئله (ضمن پذیرش این که هر ترجمه‌ای مسلماً نسبت به خود قرآن ریزش معانی دارد) نمی‌توان از ترجمه قرآن دست برداشت.

ترجمه قرآن از صدر اسلام شروع شد، اولین ترجمه، ترجمه جعفر بن ابی طالب از سوره مریم (س) در حبشه بود پس از آن در سال ۲۳۰ (ق) قرآن به زبان هندی و در قرن چهارم «ترجمه و تفسیر رسمی» تدوین شد و پس از آن ترجمه‌های کمبریج و ابوحفص نجم الدین نسفی، تاج التراجم و... نوشته شد که همه آنها به روش تحت اللفظی بودند اما در سال ۱۲۷۰ (ش) بصیر الملک از نظر روش ترجمه گامی فراتر برداشت ولی ترجمه ایشان کاملاً از قید و بند تحت اللفظی خلاص نشد، با ترجمه الهی قمشه‌ای تحولی جدید در ترجمه قرآن ایجاد شد و روش ترجمه‌ها از قید تحت اللفظی بودن رهائی یافتند و پس از آن تاکنون انواع روشهای ترجمه وفادار، معنائی، آزاد و تفسیری نوشته شده است.

در زمینه سیر تاریخی نگارش ترجمه‌ها، آنچه شایان ذکر است این که ترجمه یک فرآیند است که به دنبال گذراندن مراحل به بار می‌نشیند، این مراحل شامل معنای لغوی، نکات صرفی، نحوی، بلاغی، یکسان سازی و تعادل یابی است از این رو از صدر اسلام تا به حال به برخی از این علوم پرداخته شده مثلاً نویسندگان و پژوهشگران علوم قرآنی در زمینه

چالش‌های ترجمه قرآن ۱۱۹۱۱۱

مفردات قرآن، علم صرف و نحو در قرآن، و... کتابهای بسیاری نوشته‌اند و اثرات ارزشمندی از خود به جا گذاشته‌اند ولی در زمینه به کارگیری آن علوم برای ترجمه قرآن، یا ضعیف عمل کرده‌اند و یا اصلاً عنایتی به این نداشتند که استفاده از این علوم به چه میزان در ترجمه موثر است.

در عصر حاضر نیز تالیفاتی در برخی از این زمینه‌ها صورت گرفته مثلاً پایان‌نامه‌ای با عنوان «تاثیر شرایط فرهنگی اجتماعی بر فرآیند ترجمه» نوشته شده که در آن دو ترجمه خاص با هم مقایسه شده و با عنوان «نقش اختلاف قرائت در ناهماهنگی ترجمه‌های فارسی قرآن در جزء ۱۵ تا ۱۹» رساله‌ای به رشته تحریر در آمده، برخی نیز به دنبال تطبیق چند ترجمه با هم بودند مثل «بررسی تطبیقی ترجمه آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله صافی در ذیل آیات الاحکام» در مورد «اصطلاحات قرآن» نیز در سال ۱۳۹۳ (ش) پایان‌نامه‌ای نوشته شده که هدف از آن را بررسی استراتژی خاص برای دستیابی به معنی اصطلاحات قرآنی بیان کرده بودند و یا رساله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی قصر در جزء ۲۷ قرآن در ترجمه‌های میبیدی، صفارزاده، مکارم شیرازی» و یا رساله‌ای با عنوان «بررسی و تطبیق ترجمه مجازهای ۱۰ جزء اول قرآن در ترجمه‌های آیتی، الهی قمشه‌ای و خرماشاهی» تدوین شد، که همانطور که از عناوین آنها پیداست به صورت جزئی به موردی خاص پرداخته‌اند. برخی از مترجمان در گذر از مراحل ترجمه، به دلیل عدم توجه به چالش‌های آن مرحله، دچار اشکالاتی شده‌اند، به نظر می‌رسد ترجمه‌هایی که تاکنون نوشته شده‌اند از این جهت، در ترازوی نقد قرار نگرفتند این نوشته به منظور دستیابی به این هدف نوشته شده است و به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است:

عدم توجه به تفاوت مترادفات چه مشکلاتی به وجود می‌آورد؟

اشکالات مترجمان در عدم توجه به اوزان صرفی چگونه است؟

اعراب‌های متعدد عبارات قرآنی چه مشکلاتی در ترجمه ایجاد می‌کند؟

۱۲۰ // دو فصلنامه مطالعات قرآنی / سال دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره ۱، فصل ۱

توجه نکردن به اثرات حروف جر در ترجمه چه مشکلاتی را به وجود می آورد؟
عدم توجه به عبارات یکسان در قرآن زمینه بروز چه اشکالاتی است؟
عدم توجه به معادل یابی اصطلاحات موجب بروز چه مشکلاتی در ترجمه می شود؟

۲- تفاوت ظریف مترادفات:

برخی واژه‌ها در نگاه ابتدائی مترادف به نظر می‌رسند ولی با تدبر و تعمق در معنی آنها تفاوت‌های ظریفی با هم دارند، نمونه آن در آیه اعراف: ۱۹۸ «تَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَ هُمْ لَا يُبْصِرُونَ» می‌باشد در این آیه مشتقات سه فعل «رای، نظر و بصر» آمده که معانی نزدیک به هم دارند، ولی تفاوت‌های دقیقی بین آنها است، برای دست‌یابی به ترجمه صحیحی از این سه واژه لازم است که معنی اصلی هر یک و تفاوت‌های ظریف بین این سه واژه مشخص شود.

«رای» در لغت یعنی دیدنی عمیق در موضوع مادی یا معنوی، این دیدن می‌تواند با چشم و یا بصیرت و یا شهود روحانی باشد، این واژه در صورت دو مفعولی بودن، دیدن با قلب و ادراک با قوه عاقله را می‌رساند و مفید علم است و اگر یک مفعولی باشد دیدن با چشم ظاهری را رسانده و مفید ظن می‌باشد. (مصطفوی، ۱۳۶۰) در آیه مورد نظر فعل «رای» یک مفعولی و مراد دیدن با چشم ظاهر است.

معنی لغوی «نظر» «طلب ظاهر شدن شیء» است مثل این که منتظر دیدن شخصی هستید، این انتظار صرفاً چشم به راهی نیست بلکه گاهی با همه حواس منتظر هستید و در برخی موارد نیز مراد از آن «نظر همراه با فکر و تأمل در امر» می‌باشد. (العسکری، ۱۴۰۰)

معنی لغوی «بصر» رسیدن به علم است با چشم و یا قلب، و «بصیر» یعنی کسی که دارای نظر و علم است و به حقیقت امر پی برده است. (مصطفوی، ۱۳۶۰)

مصطفوی معتقد است که تفاوت «رای و نظر» این است که در «نظر» امهال و تاخیر هست ولی در «رای» نیست. (همانجا)

چالش های ترجمه قرآن ۱۲۱۱۱۱

با توجه به معانی واژه‌ها و تفاوت بین آنها، می‌توان در آیه «رای» را به معنی دیدن و «ینظرون» را به معنی منتظر بودن و یا چشم دوختن و «بصیر» را به معنی بصیرت و یا بینش معنی کرد.

نمونه این ترجمه را می‌توان در بیان این مترجم دید: «می‌بینی که به سوی چشم دوخته‌اند، اما بصیرت و بینش ندارند». (طاهری، ۱۳۸۰، ۱۷۶)

ترجمه‌های دیگر به نوعی دچار ضعف شدند مثلاً: «می‌بینیشان که سوی تو می‌نگرند اما نمی‌بینند» (پاینده، ۱۳۵۷، ۱۴۴)

«مشاهده می‌کنی که نگاهت می‌کنند اما نمی‌بینند» (پورجوادی، ۱۴۱۴، ۱۷۵)

۳- اوزان صرفی:

۳-۱- اختلاف در وزنهای ثلاثی مجرد و مزید:

گاهی دو واژه در ریشه مشترک هستند و اختلاف در معنی، به دلیل تفاوت در ثلاثی مجرد و مزید و یا ابواب ثلاثی مزید است مثلاً تفاوت دو واژه «هدی» و «اهتداء» که هر دو در قرآن به کار رفته‌اند، به دلیل اختلاف در ثلاثی مجرد و مزید بودن آنهاست.

بیان این تفاوت نیاز به مقدماتی دارد: هدایت در لغت به معنی راهنمایی همراه با لطف است و هدایت خداوند برای انسان چهار وجه دارد:

- هدایت تکوینی: مثل «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه، ۵۰)

- هدایت تشریحی که به مقتضای نیاز فردی و اجتماعی انسانها بر زبان پیامبران و یا با رساندن پیام خداوند به مردم به صورت قرآن یا کتابهای آسمانی دیگر می‌باشد که در قرآن با لفظ «اهتداء» آمده است: «فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا...» (البقره، ۱۳۷) و «...فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدْ اهْتَدَوْا...» (آل عمران، ۲۰)

- هدایت توفیقی برای کسانی که خود در راه هدایت و به کمال رسیدن حرکت کرده باشند: «وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى...» (مریم، ۷۶)

۱۲۲ // دو فصلنامه مطالعات قرآنی / سال دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره ۱۱ و ۱۲

- هدایت در آخرت بسوی بهشت مثل: «سَيَهْدِيهِمْ وَيُصَلِّحُ بِالْهَمِّ» (محمد، ۴ و ۵)
(نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲)

پس در قرآن «هدی» برای هدایت تکوینی و «اهداء» برای هدایت تشریحی و توفیقی به کار رفته است.

این اختلاف در آیه محمد: ۱۷ «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآَنَاهُمْ تَقْوَاهُمْ» بروز بیشتری دارد زیرا هر دو واژه در آیه به کار رفته است.

برخی از مترجمان به این نکته توجه داشته‌اند و برای ترجمه «اهداء» عبارت «هدایت را پذیرفته‌اند یا قبول کرده‌اند» را آورده‌اند که به هدایت تشریحی بودن آن با عنایت به این که «هدی» به باب افتعال رفته توجه داشتند. (ترجمه‌های احسن الحدیث، ارفع و...) اما برخی دیگر از مترجمان برای «اهداء» ترجمه «هدایت یافته‌اند» را ذکر کرده‌اند که پیداست توجهی به تفاوت بین دو لفظ «هدی و اهداء» نداشته‌اند.

۳-۲- بارهای معنایی اوزان ثلاثی مزید:

گاهی واژه در اوزان ثلاثی مجرد تنها بار معنایی ریشه اصلی را دارد ولی با قرار گرفتن در اوزان ثلاثی مزید هم معنی ریشه اصلی وهم معنی وزنی را که در آن قرار گرفته است، را متحمل می‌شود.

مثلاً در آیه یوسف: ۳۰ «وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» واژه کلیدی در آیه «تراود» است که ریشه آن «رود» است، «رود» به معنی اراده کردن است و «مراوده» باب مفاعله و «تراود» باب تفاعل آن است. برخی از لغویون برای «رود» در این دو باب علاوه بر معنی «خواستن و اراده کردن» معنی به کار بردن هر نوع خدعه و داشتن حرص در رسیدن به خواسته را نیز ذکر کرده‌اند. (فیومی، ۱۴۱۴؛ طریحی، ۱۳۷۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴)

چالش های ترجمه قرآن ۱۲۳۱۱۱

پس در معنی این واژه علاوه بر طلب کردن، پافشاری و حرص برای رسیدن به خواسته، همراه با خدعه و نیرنگ وجود دارد مترجمان این آیه را به صورتهای گوناگونی ترجمه کرده‌اند.

اکثر ترجمه‌ها تنها معنی «در خواست کردن» را آورده‌اند و اشاره‌ای به شاخصه‌های دیگر آن نکرده‌اند مانند این ترجمه: «زنانی در مدینه گفتند: زن عزیز از غلام خود کام می‌خواهد». (قرشی، ۱۳۷۵، ۵/۱۱۲)

برخی نیز به نوعی به «اصرار» در آن اشاره کرده‌اند: «و زنانی در شهر شایع کردند که زن عزیز پیوسته می‌خواهد از غلام خود کام بگیرد. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۵، ۲۳۸)

برخی نیز به خدعه و نیرنگ اشاره کرده‌اند مانند: «گفتند زنانی در شهر، زن عزیز می‌فریبد غلامش را از نفس او غلبه کرد او را دوستی» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ۱۱/۳۹)

برخی دیگر هم اصلاً واژه «مراوده» را معنا نکرده‌اند و واژه را عیناً در ترجمه آورده‌اند مانند: «زنان شهر گفتند: همسر عزیز برای کامجویی با غلام خودش مراوده داشت». (پورجوادی، ۱۴۱۴، ۲۳۷)

۴- اعرابهای متعدد:

ساختار برخی کلمات و جملات قرآنی طوری است که متحمل دو یا چند اعراب متفاوت می‌شوند که در برخی مواقع با هر اعراب معنای جداگانه‌ای را برای آیه می‌توان تصور کرد، که نتیجه آن وجود ترجمه‌های گوناگون برای یک آیه است.

در آیه ۹۷ بقره: «قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ» نقش اعرابی «هدی و بشری» محل بحث است که برای پی بردن به آن مقدماتی لازم است:

الف) مرجع دو ضمیر «فانه و نزله» دو احتمال دارد یا مرجع اولی به جبرئیل (ع) و مرجع دومی به قرآن برمی گردد و یا اولی به خدا و دومی به جبرئیل (ع) برمی گردد. (فخر رازی، ۱۴۲۰) احتمال دوم قابل نقد است زیرا در این صورت باید می گفت «باذنه» ولی در آیه « باذن الله» آمده پس احتمال اول قابل قبول و معنی آیه این است «جبرئیل فرود آورد قرآن را..»

ب) نقش «مصدقاً» حال است که ذوالحال می تواند هم جبرئیل (ع) باشد و هم قرآن ولی بنا بر قاعده که در این گونه موارد، حال برای ذوالحال نزدیکتر است حال از قرآن ارجح و از جبرئیل (ع) مرجوح است.

ج) اگر «هدی» و «بشری» نیز حال از جبرئیل (ع) باشد معنی آیه این می شود که جبرئیل (ع) کتب آسمانی پیشین را تصدیق می کند و راهنمایی و مژده برای مؤمنین می آورد. (طبرسی، ۱۳۷۲) در این صورت از نظر معنایی اشکال دارد، زیرا جبرئیل (ع) بدون واسطه و مستقیماً مردم را هدایت نمی کند و مستقیماً هم بشارت نمی دهد.

پس «هدی و بشری» توصیف قرآن است که اگر «مصدقاً» را حال از قرآن گرفتیم این دو عطف بر حال شدند ولی اگر «مصدقاً» را حال از جبرئیل (ع) گرفتیم این دو خبر مبتدای محذوف هستند زیرا قرآن به دلیل این که تکالیف واجب را بیان کرده پس هدایت است و به دلیل این که ثواب اعمال در آینده را بیان کرده بشارت است. (فخر رازی، ۱۴۲۰)

به همین دلیل برخی از نحویون و اکثر مفسران هر سه مورد را حال از قرآن گرفتند و در صورتی که بنا بر قول ضعیف «مصدقاً» حال از جبرئیل (ع) باشد «هدی و بشری» را در محل رفع دانسته اند که خبر مبتدای محذوف باشد. (فراء، ۱۹۸۰؛ طبرانی، ۲۰۰۸؛ میدی، ۱۳۷۱) پس دو ترجمه قابل قبول است یا «مصدقاً و هدی و بشری» هر سه حال برای قرآن هستند و یا «مصدقاً» حال از جبرئیل (ع) و «هدی و بشری» خبر مبتدای محذوف و در توصیف قرآن باشد.

چالش های ترجمه قرآن ۱۲۵۱۱۱

مترجمان در این زمینه متفاوت عمل کرده اند برخی هر سه را حال برای قرآن گرفته اند مانند آدینه وند، آیتی، احسن الحدیث و پور جوادی و برخی هر سه را حال برای جبرئیل (ع) گرفته اند مانند ارفع، که با توجه به نکات گفته شده صحیح نیست، برخی نیز به صورت مبهم آوردند مانند الهی قمشه ای، انصاریان، برزی، بروجردی و پاینده.

(اشکال در اعرابهای متعدد نحوی و عدم توجه مترجمان به آن در جملات نیز مطرح است از جمله در آیه بقره: ۱۶۱ که به دلیل طولانی شدن بحث از آن صرف نظر شده)

۵- بلاغت حروف جر:

در راستای بلاغت و نقش آن در ترجمه مطالب زیادی گفته و نوشته شده ولی پیرامون بلاغت در حروف جر و نقش آن در ترجمه قرآن سخنان زیادی گفته نشده از این رو در این قسمت بحث به این موضوع پرداخته می شود هر چند جا دارد که از بلاغت در کلمه و جمله و اثر آنها در ترجمه نیر سخن گفت که برای طولانی نشدن بحث از ذکر آنها خودداری می شود.

بیشترین نقش حروف جر مفعول با واسطه بودن برای فعلها است زیرا گاهی در افعال، مفعول، بدون واسطه و گاهی با واسطه می آید، اگر مفعول با واسطه حرف جر بیاید دامنه عمل فعل محدود می شود مثلاً در آیه ص: ۱۸ «إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ...» فعل «یسبحن» با جار و مجرور «بالعشی و الاشراق» آمده، سیاق آیه این است که به دنبال آیات مربوط به اوصاف و اقوال داوود (ع) جریان تسبیح کوهها و پرندگان با او را بیان می کند که هر گاه داوود (ع) تسبیح خدا می کرد. کوهها نیز با او هم- صدا شده و تسبیح می کردند، که تسبیح در وقت عصر و طلوع خورشید با حرف جر آمده (بالعشی) که آمدن حرف جر دلالت دارد که در همه اوقات نبوده و می بایست که «در عصر و صبح» معنا شود.

۱۲۶ // دو فصلنامه مطالعات قرآنی / سال دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره ۱ و ۲

اکثر مترجمان این آیه را به درستی ترجمه کرده بودند به جز چند مورد که ترجمه به گونه ای بود که «همه اوقات» را می‌رساند. (ارفع، ۱۳۸۱؛ الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰) ولی در آیه ۲۰ انبیاء: «يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ» تسبیح بدون حرف جر آمده و می‌رساند آنها در تمام اوقات شب و روز به تسبیح مشغول هستند و به دلیل تسبیح همیشگی آنان را ملائکه یا رسولان الهی و یا متقینان خاص ربوبی دانسته‌اند. (فخر رازی، ۱۴۲۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲؛ سمین، ۱۴۱۴؛ ابن عادل، ۱۴۱۹؛ نظام الاعرج، ۱۴۱۶) ترجمه‌های بررسی شده اکثراً صحیح بودند به جز برخی از آنها که با آوردن «در شب و روز» دوام در تسبیح را نرسانده بودند. (بلاغی، ۱۳۸۶)

۶- یکسان سازی عبارات:

برخی از عبارات و آیات قرآن دقیقاً مانند هم هستند و عقلاً می‌طلبد که مترجم ضمن اطلاع کافی نسبت به شناخت آن عبارات همه آنها را در سراسر قرآن به یک صورت معنا کند. الف) یکی از این عبارات آیه ۵ ابراهیم: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» است که در سه آیه دیگر از قرآن عیناً تکرار شده و مترجمان برخوردی متفاوت با این آیات داشته‌اند:

ترجمه رضائی اصفهانی تقریباً یکسان سازی داشته و تنها در مرجع ضمیر تفاوت دیده می‌شود که آن نیز بر اساس سیاق بوده و صحیح است.

[چرا] که حتماً در آن (یادآوری‌ها) برای هر بسیار شکیبایی بسیار سپاسگزار، نشانه‌های (عبرت آموزی) است. (۱۳۸۳، ۲۵۵)

قطعاً در این (امور) نشانه‌هایی برای هر بسیار شکیبایی بسیار سپاسگزار است. (همان، ۴۸۶)
حتماً در این [ها] برای هر بسیار شکیبایی بسیار سپاسگزار، نشانه‌هایی (عبرت آموز) است. (همان، ۳۴۶)

چالش‌های ترجمه قرآن ۱۲۷۱۱۱

قطعاً در این (ماجرا) نشانه‌های (عبرت آموزی) برای هر بسیار شکیبای بسیار سپاسگزار است. (همان، ۴۳۰)

در ترجمه پاینده سه ترجمه یکسان و یک ترجمه متفاوت است.

در این برای همه صبوری پیشگان سپاسدار عبرت‌هاست. (۲۱۱، ۱۳۵۷)

در این برای صبوری پیشگان سپاسدار عبرت‌هاست. (همان، ۴۰۹)

در این، برای همه صبوری پیشگان سپاسدار، عبرت‌هاست. (همان، ۳۴۶)

که در این برای هر صبور شکور عبرت‌هاست (همان، ۳۶۰)

در ترجمه آیتی دو ترجمه از روش ترجمه معنائی استفاده کرده و تقریباً شبیه هستند یک

ترجمه به صورت وفادار ترجمه شده و یک ترجمه نیز عبارات متفاوت شده است.

در این، برای مردم شکیبای سپاسگزار عبرت‌هاست. (۴۱۴، ۱۳۷۴) (به روش معنائی)

و در این برای هر شکیبای شکرگزار، عبرتهایی است. (همان، ۲۵۵) (به روش معنائی)

و در این عبرت‌هاست برای شکیبایان سپاسگزار. (همان، ۴۳۰) (به روش وفادار)

هر آینه در این برای صابران شکرگزار عبرتهایی است. (همان، ۴۸۷) (معنائی و کلمات

متفاوت)

ترجمه آدینه‌وند تنها دو آیه را مانند هم ترجمه کرد و دو مورد دیگر متفاوت است.

۷- معادل‌یابی اصطلاحات:

در هر زبانی اصطلاحاتی وجود دارد که عدم آشنایی با آن اصطلاحات، کار مترجم را در

ترجمه و فهم آن زبان، دچار اشکال می‌کند کسی که اقدام به ترجمه متن یا عبارتی می‌-

کند، باید احاطه کامل به اصطلاحات موجود در آن را داشته باشد، در ترجمه قرآن توجه به

این اصطلاحات و دقت در ترجمه آنها نمود بیشتری دارد مثلاً:

۱۲۸ // دو فصلنامه مطالعات قرآنی / سال دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره ۱ و ۲ مجله

«ضرب فی الارض»: معنای تحت اللفظی عبارت یاد شده «زدن در زمین» است در حالیکه مراد از آن «مسافرت» می باشد. در آیه «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا» (النساء، ۹۴)

اکثر لغویون آن را به معنی «سفر کردن» معنی کرده اند. (ازهری، ۱۴۲۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴)

علاوه بر لغویون مفسران نیز معنی «سفر کردن» را برای آن برگزیدند. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۸۹/۱۱؛ میدی، ۱۳۵۲، ۲۱۳/۱)

مترجمان در این زمینه بسیار متفاوت عمل کرده اند برخی آن را «گام برمی دارید» معنا کرده اند. (آدینه‌وند و ارفع) برخی آن را «رهسپار می شوید» (پور جوادی و الکاشف) برخی «بیرون می روید» (الهی قمشه‌ای و بروجردی) و برخی نیز «زمین می سپرید» (پاینده) که با توجه به نظر لغویون و مفسران «سفر می کنید» از همه بهتر است که در ترجمه‌های احسن الحدیث، انصاریان، برزی و ترجمه المیزان آمده است.

نتایج مقاله

برای دست یابی به ترجمه‌ای دقیق توجه به نکات زیر ضروری است:

- ۱- هر چند اصل مترادف در زبان عرب مورد پذیرش است ولی در قرآن امکان این که کلمات از هر جهت مترادف باشند اگر محال نباشد بسیار اندک است این امر حساسیت و دقت مترجم را در گزینش کلمات مترادف و هم کاری یک فرد لغت شناس را می طلبد.
- ۲- در زبان عرب تغییر وزن کلمه گاهی تغییرات جدی در معنا به وجود می آورد که غفلت از آن در ترجمه آیه اثرات سوء دارد پس توجه به اوزان کلمات توسط مترجم متخصص در این علم و یا بهره جستن از یک متخصص در این رشته ضروری است.

چالش های ترجمه قرآن ۱۲۹۱۱۱

۳- مترجم باید در صورت تنوع در اعراب به دنبال دلیل برای قبول و یا ردّ برخی از آنها باشد و برای دست یابی به این مقصود یا باید خودش متخصص باشد و یا از مشورت یک متخصص در این زمینه بهره گیرد.

۴- مترجم از توجه به معانی ثانویه و انگیزه بلاغی آیه غافل نباشد چه بسا معنی ثانویه آن مطلبی جدای از معنی اولیه آیه باشد که تشخیص این امر ضرورت وجود متخصصی در فن بلاغت را در کنار مترجم می طلبد.

۵- قبل از ترجمه هر آیه و یا عبارت عنایت داشته باشد که شبیه آن آیه و عبارت را چگونه ترجمه کرده چه بسا عدم توجه به این امر منجر شود که عین و یا شبیه آن را در یک جا به روش وفادار و در جایی به روش معنایی و یا تحت الفظی و یا آزاد ترجمه کرده باشد، برای رسیدن به این هدف یا باید خودش حافظ قرآن باشد و یا از مشورت یک حافظ قرآن بهره ببرد، که با برخورد با هر عبارت قرآنی بداند که اگر آن عبارت در جایی دیگر از قرآن آمده چگونه ترجمه کرده، که در این جا هم به همان صورت ترجمه کند.

۶- برای ترجمه برخی عبارات در قرآن نمی توان تنها از معانی لغات آن، به معنا رسید چه بسا آن عبارت یک اصطلاح خاص در زبان عرب و یا یک حقیقت قرآنی باشد که برای رسیدن به معنی آن باید از مشورت یک عرب زبان و یا متخصص علوم قرآنی کمک گرفت.

۷- ترجمه یک کار گروهی و تیمی است و می بایست در هر یک از مراحل آن از متخصصین آن فن کمک گرفت و گرنه ترجمه بسان تصویری مبهم در آینه ای موجود خواهد بود.

۱۳۰ // دو فصلنامه مطالعات قدادبی / سال دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره ۱ و ۲

کتابشناسی

- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب، ۱۵ جلد، بیروت: دار صادر، چاپ ۳.
- ابن عادل، عمر بن علی. (۱۴۱۹). اللباب فی علوم الکتاب، ۲۰ جلد، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ ۱.
- ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰). تفسیر التحریر و التئیر المعروف بتفسیر ابن عاشور، ۳۰ جلد، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، چاپ ۱.
- ابن عرفه، محمد بن محمد. (۲۰۰۸). تفسیر ابن عرفه، ۴ جلد، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ ۱.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: ۶ جلد، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ ۱.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ ۱.
- ابوحیان، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰). البحر المحیط فی التفسیر، ۱۱ جلد، بیروت: دار الفکر، چاپ ۱.
- ارفع، کاظم. (۱۳۸۱). ترجمه قرآن (ارفع)، ۱ جلد، تهران: فیض کاشانی، چاپ ۱.
- ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱). تهذیب اللغة، ۱۵ جلد، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ ۱.
- اشکوری، محمد بن علی. (۱۳۷۳). تفسیر شریف لاهیجی، ۴ جلد، تهران: دفتر نشر داد، چاپ ۱.
- آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۶ جلد، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ ۱.
- آیتی، عبدالمحمد. (۱۳۷۴). ترجمه قرآن (آیتی)، ۱ جلد، تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش، چاپ ۴.
- بروجردی، محمد ابراهیم. (۱۳۶۶). ترجمه قرآن (بروجردی)، ۱ جلد، تهران: کتابخانه صدر، چاپ ۶.
- بلاغی، عبدالحججه. (۱۳۸۶). حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر، ۷ جلد، قم: حکمت (چاپخانه)، چاپ ۱.
- بنت الشاطی، عائشه. (۱۴۰۴). الإعجاز البیانی للقرآن، قاهره: دارالمعارف، چاپ ۲.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۷۵). ترجمه قرآن (ابو القاسم پاینده)، ۱ جلد، تهران: جاویدان، چاپ ۵.
- پورجوادی، کاظم. (۱۴۱۴). ترجمه قرآن (پورجوادی)، ۱ جلد، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، چاپ ۱.

چالش های ترجمه قرآن ۱۳۱۱۱۱

- ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲). الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، ۱۰ جلد، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ ۱.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، ۶ جلد، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ ۱.
- حجتی، مهدی. (۱۳۸۴). گلی از بوستان خدا (ترجمه قرآن)، ۱ جلد، قم: بخشایش، چاپ ۶.
- خسروانی، علیرضا. (۱۳۹۰). تفسیر خسروی، ۸ جلد، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ ۱.
- خفاجی، احمد بن محمد. (۱۴۱۷). حاشیة الشهاب المسماة عنایة القاضی و کفایة الراضی علی تفسیر البیضاوی، ۹ جلد، لبنان، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ ۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۳). مفردات ألفاظ القرآن، ۱ جلد، بیروت: دار القلم، چاپ ۱.
- رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۳). ترجمه قرآن (رضایی)، ۱ جلد، قم: موسسه تحقیقاتی فرهنگی دار الذکر، چاپ ۱.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۴ جلد، لبنان، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ ۳.
- سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶). تفسیر السمرقندی المسمى بحر العلوم، ۳ جلد، لبنان، بیروت: دار الفکر، چاپ ۱.
- سمن، احمد بن یوسف. (۱۴۱۴). الدر المصون فی علوم الكتاب المکنون، ۶ جلد، لبنان، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ ۱.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۳۸۰). ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، ۲ جلد، تهران: امیر کبیر، چاپ ۳.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۳۸۷). تفسیر الشهرستانی المسمى مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار، ۲ جلد، تهران: مرکز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط، چاپ ۱.
- شیخزاده، محمد بن مصطفی. (۱۴۱۹). حاشیه محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی، ۸ جلد، لبنان، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ ۱.
- طالقانی، محمود. (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن، ۶ جلد، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ ۴.
- طاهری قزوینی، علی اکبر. (۱۳۸۰). ترجمه قرآن (طاهری)، ۱ جلد، تهران: قلم، چاپ ۱.

۱۳۲ // دو فصلنامه مطالعات قدادبی / سال دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره ۱ و ۲

- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰ جلد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۵.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸). التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، ۶ جلد، اردن، اربد: دار الکتب الثقافی، چاپ ۱.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، تهران: ناصر خسرو، چاپ ۳.
- طریحی، فخر الدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین، ۶ جلد، تهران: مرتضوی، چاپ ۳.
- عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰). الفروق فی اللغة، ۱ جلد، بیروت: دار الافاق الجدیدة، چاپ ۱.
- فخر رازی، محمد بن عمرو. (۱۴۲۰). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ۳۲ جلد، لبنان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ ۳.
- فراء، یحیی بن زیاد. (۱۹۸۰). معانی القرآن (فراء)، ۳ جلد، مصر، قاهره: الهيئة المصریة العامة للكتاب، چاپ ۲.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۷۶). زبان قرآن، ۱ جلد، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ ۱.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹). کتاب العین، ۹ جلد، قم: نشر هجرت، چاپ ۲.
- فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ۲ جلد، قم: موسسه دار الهجرة، چاپ ۲.
- قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۵). تفسیر احسن الحدیث، ۱۲ جلد، بنیاد بعثت، تهران: مرکز چاپ و نشر، چاپ ۲.
- کاشانی، فتح الله بن شکرالله. (۱۳۱۳). منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ۱۰ جلد، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ ۱.
- کاشفی، حسین بن علی. (بی تا). تفسیر حسینی (مواهب علیه)، ۱ جلد، سراوان: کتابفروشی نور، چاپ ۱.
- محمد کریم الکواز، محمد کریم و سیدی، سید حسین. (۱۳۸۶). سبک شناسی اعجاز بلاغی قرآن، ۱ جلدی، تهران: سخن، چاپ ۱.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس، ۲۰ جلد، بیروت: دار الفکر، چاپ ۱.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۵). ترجمه قرآن (مرکز فرهنگ و معارف قرآن)، ۱ جلد، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ ۱.

چالش های ترجمه قرآن ۱۳۳۱۱۱

- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مکی بن حموش. (۱۴۲۳). مشکل اعراب القرآن، ۱ جلد، لبنان، بیروت: دار الیمامه، چاپ ۳.
- میبدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، ۱۰ جلد، تهران: امیر کبیر، چاپ ۵.
- نظام الاعرج، حسن بن محمد. (۱۴۱۶). تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ۶ جلد، لبنان، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ ۱.
- الهی قمشه ای، مهدی. (۱۳۸۰). ترجمه قرآن (الهی قمشه ای)، ۱ جلد، قم: فاطمه الزهراء، چاپ ۲.
- یاسوف، احمد. (۱۴۱۹). جمالیات المفردة القرآنیة، ۱ جلدی، دمشق: دار المکتبی، چاپ ۲.